

## درباره واژه روسی grivenka و واژه فارسی گیروانکه / گروانکه

واسیلی ایوانوویچ آبایف<sup>۱</sup>

ترجمه محسن شجاعی

هوبشمان<sup>۲</sup> در بخش پایانی کتاب معروف خود با عنوان ریشه‌شناسی و واج‌شناسی زبان آسی<sup>۳</sup> (استراسبورگ ۱۸۸۷) فهرستی از واژه‌های قرضی در زبان آسی به دست می‌دهد. در آنجا، در صفحه ۱۲۳ واژه آسی giranka (ziranka) به معنای funt «واحد وزن حدود ۵۰۰ گرم» آمده که وی آن را یک صورت قرضی از واژه گرجی girvanka به همان معنا به‌شمار آورده است. هوبشمان ادامه تاریخ این واژه را پیگیری نمی‌کند، اما در این نکته تردیدی نیست که در بستر زبان گرجی (کارتولی) نیز این واژه بومی به‌شمار نمی‌آید. این واژه در

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. واسیلی ایوانوویچ آبایف (۱۹۰۰-۲۰۰۱)، ایران‌شناس بزرگ آسی تبار و زاده گرجستان، از بیست و هشت سالگی (سال ۱۹۲۸) عضو هیئت علمی مؤسسه زبان‌شناسی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی بوده است. وی در سال ۱۹۵۷، به‌عنوان چهره ماندگار علوم در جمهوری خودمختار آستخای شمالی (آلانیا کنونی) و در سال ۱۹۸۰ به‌عنوان چهره ماندگار علوم در جمهوری شوروی گرجستان برگزیده شد. از او بیش از ۲۷۰ کتاب و مقاله علمی در زمینه زبان آسی، زبان‌شناسی و فرهنگ و زبان‌های ایرانی باستان و میانه به‌جای مانده است، اما بی‌شک بزرگ‌ترین و ماندگارترین اثر وی فرهنگ چهارجلدی ریشه‌شناسی زبان آسی است که چاپ آن از ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۹ به‌درازا کشید.

مقاله زیر از مجله مسائل زبان‌شناسی (شماره ۴، سال ۱۹۵۸، ص ۹۶-۹۸) برگرفته شده است. این مجله از سال ۱۹۵۲ با دوره انتشار شش شماره در سال با نظمی کم‌مانند از سوی انستیتوی زبان روسی ویناگراوف، وابسته به فرهنگستان علوم روسیه منتشر می‌شود. انتشار منظم این مجله کاملاً تخصصی حتی در سال‌های پرآشوب دهه ۱۹۹۰ ادامه داشت. در حال حاضر، سردبیر مسائل زبان‌شناسی ولادیمیر آلکساندروویچ پلونگیان است که پژوهش‌های جالبی در زمینه زبان‌شناسی پیکره‌ای داشته و از همکاران اصلی طرح پیکره ملی زبان روسی است.

2. H. Hübschmann

3. *Etymologie und Lautlehre der ossetischen Sprache*

زبان گرجی از واژه فارسی *girvānka*, *gīrvānka* [به همان معنای *funt*] گرفته شده است.<sup>۱</sup> هوبشمان زبان فارسی را به خوبی می‌دانست و اگر از واژه فارسی گیروانکه سخنی به میان نمی‌آورد، به دلیل آن است که این واژه در زبان فارسی ادبی رواج گسترده‌ای ندارد. به‌واقع، در بیشتر فرهنگ‌های فارسی نیز این واژه را نمی‌یابیم. واژه مورد نظر ما در آثار وولرس، یاگلو، زنکر، غفاروف و لمبتون دیده نمی‌شود.<sup>۲</sup> در فرهنگ مختصر، اما کاربرد *زَتیلر*<sup>۳</sup> ذیل واژه *Gewicht* «وزن» واحدهای وزن فارسی (خروار، من، مثقال، نخود، گندم) آمده است، اما از گیروانکه خبری نیست. برپایه منابع موجود این واژه در تاجیکی نیز وجود ندارد (قس). واژه ازبکی و تاجیکی *qadaq* به معنای *funt*).

اما وجود این واژه در زبان فارسی جای تردید ندارد. واژه مورد نظر ما در فرهنگ‌های معتبری مانند فرهنگ روسی به فارسی گالونوف<sup>۴</sup> (ج ۲، مسکو، ۱۹۳۷) و فرهنگ فارسی به روسی میلر<sup>۵</sup> (چاپ دوم، مسکو، ۱۹۵۳) ضبط شده است. این واژه به‌جز زبان‌های فارسی، گرجی و آسی در برخی زبان‌های قفقازی نیز ثبت شده است (ارمنی: *grvanka*، لژیگی: *girwenka*، دارغی و آواری: *gilavka*، چچنی: *gierka*، اینگوشی: *geräkä*، کاباردینی: *geronkä* و مانند آن‌ها)؛ و نیز در بعضی از زبان‌های ترکی (تِلنوت، کومانندی: *küränkä*، تاتاری: *güränkä*، چوواشی: *kërenkë*، *kërepenkë*).

۱. تلفظ ادبی امروز این واژه *gervanke* است.

۲. منظور نویسنده فرهنگ‌ها و کتاب‌های زیر است:

- Vullers, Johann August. *Lexicon persico- latinum etymol.* 2 bd med suppl., 1855-67.  
Ягелло, Иван Дионисевич. *Персидский (фарсидский) переводчик: С перс.-рус. и рус.-перс. слов.* Ташкент: тип. Штаба Турк. воен. окр., 1907.  
Zenker, Jules Theodore. *Dictionnaire turc-arabe-persan.* Leipzig: I, 1866; II, 1876.  
Гаффаров, М.А. *Персидско-русский словарь: Т. 1-2.* Москва: тип. М.О. Аттая и К°, 1914-1927.  
Lambton, Ann K. S. *Persian Grammar.* Cambridge University Press, 1953. (مترجم)  
3. Sättler, F. *Deutsch-persisch Konversations-wörterbuch.* Wien-Leipzig: Hartleben's, 1895. (مترجم)  
4. Галунов, Р. А. *Русско-персидский словарь. 2 тома.* М.: Гос. институт "Советская энциклопедия", 1936-1937. (مترجم)  
5. Миллер, Б.В. *Персидско-русский словарь.* 2-е изд. М.: Государственное издательство иностранных и национальных словарей, 1953. (مترجم)  
6. Радлов, В.В. *Опыт словаря тюркских наречий.* вып. 11, т. II. вып. 5. СПб., 1898, стр. 1451.

اما نه در بستر فارسی می‌توان ریشه این واژه را یافت و نه در بستر ترکی یا قفقازی. در هر یک از زبان‌های برشمرده واژه مورد نظر ما یک واژه تک‌افتاده و فاقد هرگونه پیوندی با دیگر واژه‌های آن زبان یا زبان‌های خویشاوند آن است.

در جست‌وجو برای توصیف ریشه‌شناختی واژه مورد نظر به واژه روسی grivenka [grivenka] «یک واحد وزن» می‌رسیم. البته پیش از این نیز به ریشه روسی واژه فارسی گروانکه اشاره شده است<sup>۱</sup>. اما برخی نکات زبان‌شناختی و تاریخی همچنان نیازمند تصریح‌اند.

واژه اسلاوی مشترک griv'na [griv'na] با معنای آغازی «گردن‌بند» (از griva [griva] به معنای «گردن») در بستر زبان روسی معانی دیگری به خود گرفت: «واحد وزن» و «واحد پول». برای معنای واحد وزن از نیمه نخست سده دوازدهم میلادی سند موجود است<sup>۲</sup>.

هرچند griv'na به هر سه معنی یادشده (گردن‌بند، واحد وزن، واحد پول) به کار می‌رفته است، اما grivenka (griv'nka) که از آن ساخته شده بود، به طور خاص، به معنای «واحد وزن» به کار رفت. در کتاب یادشده از سرزنیفسکی (سن‌پتربورگ، ۱۸۹۳) [پانوشت ۲] هم تنها این معنی مستند شده است.

همه نام‌های برشمرده در بالا برای funt در زبان‌های قفقازی، ترکی و فارسی بی‌شک به واژه روسی grivenka باز می‌گردند. اما یافتن مسیر راهیابی این واژه به زبان‌های غیرروسی نیازمند جست‌وجوهای بیشتری است. وجود این واژه در همه زبان‌های منطقه قفقاز ممکن است این فکر را به ذهن بیاورد که گروانکه از طریق زبان‌های قفقازی به فارسی رسیده است، به ویژه اگر این نکته را در نظر بگیریم که روابط روسیه و ایران هم از راه دریای مازندران انجام می‌شده و هم از راه گرجستان.

اما به سادگی می‌توان متقاعد شد که واژه گرجی girvanka نمی‌توانسته مستقیماً از روسی گرفته شده باشد. زبان گرجی به آسانی خوشه [همخوانی] آغازی -gr را حفظ می‌کند: griali «سروصدا»، Grigola «گریگوری»، grili «خنک»، groši «قروش» (از روسی)،

1. Шерген, А. *Осетинская грамматика*, ч. 2. СПб., 1844, стр. 49.

۲. برای نمونه، ← Н.Н. Белгородский. *Современная персидская лексика*. М.- Л.: 1936. стр. 41. сн. 2.

3. Срезневский, И.И. *Материалы для словаря древнерусского языка*. т. I. СПб. 1893. стр. 589-591.

grdzeli «دراز» و مانند این‌ها. اگر گمان به وام‌گیری مستقیم این واژه [در گرجی] از واژه روسی grivenka باشد، آن‌گاه گنجاندن واکه i در آن هیچ توجیهی نخواهد داشت. اما در فارسی با تصویر دیگری روبه‌رو هستیم. در اینجا خوشه آغازی -gr به‌گونه قانونمندی صورت gir- را به‌دست می‌دهد: girē به‌معنای «گردن» [کذا] از ریشه ایرانی -grīvā؛ giriftan از -gr̥b؛ giristan از -\*grid؛ girād به‌معنای «مرحله»، «سطح» از واژه فرانسوی grade و مانند این‌ها. از grivenka در فارسی هیچ صورت دیگری به‌جز girvānka نمی‌توانسته است به‌دست آید. واژه گرجی girvanka نیز (همچون دیگر برابره‌های funt در زبان‌های قفقازی) از فارسی می‌آید.

درباره صورت‌های ترکی باید گفت که وجود این صورت‌ها در این زبان‌ها (تِلثوت، کومانندی، چوواشی) که همسایه فارسی نیستند، اما با روسی همسایه‌اند، این احتمال را افزایش می‌دهد که صورت‌های ترکی از روسی گرفته شده‌اند.

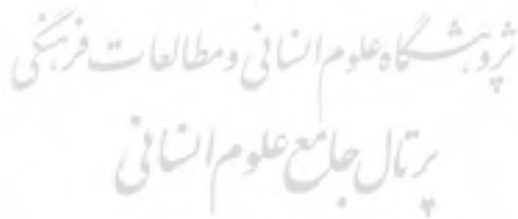
اکنون باید به تاریخ وام‌گیری واژه روسی grivenka در زبان فارسی پردازیم. نیازی به اثبات این نکته نیست که وام‌گیری اصطلاحات اوزان و مقادیر همواره در پیوند با روابط بازرگانی صورت می‌گیرد. وام‌گیری واژه روسی grivenka از سوی ایرانیان به‌عنوان یک واحد وزن نیز بی‌شک از مسیر مراودات بازرگانی صورت گرفته است. این وام‌گیری می‌بایست زمان نسبتاً دوری رخ داده باشد، زمانی که رایج‌ترین واحد وزن در روسی grivenka بوده است و نه funt که بعدها از آلمانی وام گرفته شده بود. اما این واژه اخیر نیز چندان «جوان» نیست، funt در اسناد سال ۱۳۸۸ میلادی و نیز در گذر از سه دریای آفاناسی نیکیتین [نوشته شده در سده پانزدهم میلادی / نهم قمری] دیده می‌شود.<sup>۱</sup> با این وجود در سده‌های ۱۴-۱۷ میلادی funt واژه نسبتاً کم‌کاربردی بوده، حال آنکه grivenka بسیار معمول بوده است.

اطلاعات تاریخی مربوط به روابط بازرگانی روسیه و ایران این امکان را می‌دهند که تاریخ وام‌گیری احتمالی این واژه را روشن سازیم. «آغاز روابط بازرگانی روسیه و ایران را می‌توان نیمه دوم سده ۱۶ دانست، زمانی که منطقه پاولوژی [کرانه‌های میانی و پایین‌دست رود ولگا] به تصرف روسیه درآمد و یک مسیر مستقیم بازرگانی شکل گرفت (تا پیش از این رابطه با ایران گاه‌وبیگاه بود). در سده ۱۷ به‌دلیل رشد اقتصادی فراوان، هم در ایران و هم در

1. Срезневский, И.И. *Материалы для словаря древнерусского языка*. т. III. СПб. 1912. стр. 1358.

روسیه، این روابط به میزان چشمگیری گسترش یافتند. ... منطقه فعالیت اقتصادی ایرانیان ... در روسیه آستراخان [حاجی طرخان]، پاولوژیه و مسکو بوده‌اند، اما روس‌ها فعالیت بازرگانی خود را در شمال ایران (شماخی، ولایت گیلان، تبریز، کاشان و نقاط دیگر) متمرکز ساخته بودند<sup>۱</sup>. «برقراری روابط بازرگانی منظم میان روسیه و ایران به آغاز سده ۱۷ بازمی‌گردد. در سال ۱۶۶۴ (زمان حکمرانی تزار آلکسی میخائیلوویچ) شاه عباس دوم حق تجارت آزاد در همه شهرهای ایران را به بازرگانان روس اعطا نمود»<sup>۲</sup>.  
 بدین ترتیب سده ۱۷ میلادی محتمل‌ترین زمان وام‌گیری واحد وزن روسی grivenka در زبان فارسی است.

شرایط ویژه این وام‌گیری این نکته را روشن می‌سازد که چرا واژه فارسی گروانکه به زبان ملی همگانی وارد نشد و در بسیاری از فرهنگ‌ها نیز ثبت نگردید: این واژه تنها در آن بخش‌هایی از ایران و در میان آن لایه‌هایی از مردم رواج یافت که مستقیماً جذب حوزه روابط بازرگانی با روسیه شده بودند.



1. Зеванкин, Е.С. «Персидский вопрос в русско-европейских отношениях XVII в.». в *Исторические записки* (Ин-та истории АН СССР), 8, 1940, стр. 156.

۲. دائرةالمعارف بزرگ شوروی (ج ۱۸، ص ۴۰۹). نیز ← مقاله ای. ن. سوگورسکی «روابط با ایران در زمان گادونوف [تزار روس از سال ۱۵۹۸-۱۶۰۵ / ۱۰۰۷-۱۰۱۴ هجری]» (پیک روس، ۱۸۹۰، اکتبر، سن پترزبورگ، ص ۱۰۷): «اهالی بومی [= ایرانیان (آبایف)] در آن روزگار [= زمان باریس گادونوف (آبایف)] تجارت پرجنب و جوشی با پاولوژیه داشتند».